نگاه روزنامه نگار

حزب‌الله و شرایط دشوار پس از جنگ

محمدعلی عسگری

بخش اول

جنگ ۳۴ روزه اسرائیل با حزب‌الله در لبنان به ظاهر خاتمه یافت در حالی که هنوز هیچ‌کدام از طرفین این درگیری، پیروزی طرف مقابل را قبول ندارند و هر کدام می‌کوشند تا خود را طرف پیروز این جنگ معرفی کنند. معنای این امر آن است که بازی به وقت اضافی کشیده شده و طرفین می‌باید در حوزه ها یا میادین دیگر پیروزی خود را تثبیت کنند. در حال حاضر اسرائیل و آمریکا می‌کوشند تا با جلب حمایت دولت‌های غربی و عربی تفسیر خاص خود را از قطعنامه ۱۷۰۱ به اجرا گذارند که در درجه نخست بتواند امنیت اسرائیل را تامین و در درجه دوم حزب‌الله را خلع سلاح کند. از سوی دیگر حزب‌الله که معتقد است پیروزی تاریخی و تحسین‌کننده‌ای را به دست آورده است می‌کوشد با کمک حامیانش در برابر این تهدیدها و تدبیرها ایستادگی کند و به نوعی پیروزی نظامی خود را با پیروزی سیاسی دیگری قرین سازد. پیش از شروع جنگ اخیر، حزب‌الله در وضعیت دشواری قرار داشت. تحولات دوساله اخیر در لبنان، به ویژه پس از ترور رفیق حریری و صدور قطعنامه ۱۵۵۹ شرایطی را ایجاد کرده بود که به خروج نیروهای سوری از لبنان منجر شد و در مقابل، نیروی تازه‌ای موسوم به «۱۴ مارس» را پدید آورد که هدف اصلی خود را تکوین دولتی ملی و به دور از کنش‌های خارجی به ویژه سوریه می‌داند. انتخابات پارلمانی و سپس تشکیل دولت فواد سنیوره تا حدودی این راه را هموار کرد اما گفت‌وگوهای ملی گروه‌های لبنانی بر سر دو موضوع ریاست جمهوری امیل لحود و خلع سلاح حزب‌الله به بن بست رسید. به گروگان گرفتن دو سرباز اسرائیلی توسط حزب‌الله و حمله برق‌آسا و جنون‌آمیز اسرائیل به لبنان وضعیتی را به وجود آورد که گروه‌های لبنانی به دفاع از مقاومت برخاستند و صفوف خود را در برابر تهاجم خارجی اسرائیل یکپارچه کردند. سی و چهار روز نبرد هوایی، دریایی و زمینی نتوانست دستاوردهای قابل ملاحظه برای اسرائیل داشته باشد و به اهداف اعلام شده خود که آزادی سربازان و نابودی حزب‌الله بود برسد. سرانجام افکار عمومی جهان به ویژه پس از کشتارهای غیرنظامیان و انهدام زیرساخت‌های لبنان کار را به جایی رساند که سازمان ملل متحد دخالت کرد و با تصویب قطعنامه ۱۷۰۱ آتش‌بس را برقرار کرد. با برقراری آتش‌بس و خاتمه جنگ، دوباره لبنان به شرایط پیش از جنگ مراجعت کرد با این تفاوت که خسارت ناشی از جنگ از یک سو و دخالت و حضور نیروهای بین‌المللی شرایط تازه‌ای را پدید آورده است. دولت لبنان اعلام کرد نیروهای ارتش را در جنوب مستقر خواهد کرد. این تصمیم در راستای اجرای یکی از بندهای قطعنامه ۱۷۰۱ بوده و می‌تواند به نوعی به تخلیه مناطق جنوب از نیروهای مسلح حزب‌الله نیز تفسیر شود. اما حزب‌الله می‌گوید از این طرح استقبال و با دولت همکاری خواهد کرد. به هر حال با استقرار ۱۵ هزار تن از نیروهای ارتش لبنان و ۱۵ هزار تن از نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد به نظر می‌رسد دیگر نیازی به حضور حزب‌الله در جنوب نباشد.

خاتمی در دانشگاه سازمان ملل در ژاپن:

خزانه صلح در جهان خالی‌تر از خزانه جنگ است

سیدمحمد خاتمی رئیس مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها که در ژاپن به سر می‌برد روز جمعه در دانشگاه سازمان ملل متحد در توکیو سخن گفت.

متن کامل سخنرانی خاتمی در پی می‌آید.

حتماً از یاد نبرده‌ایم که اعضای ملل متحد در ژوئن سال ۱۹۴۵، رسماً متعهد شدند که نسل آینده را از مصیبت جنگ برهانند و چند ماه بعد از آن به این اتفاق رسیدند که اساس سازمان ملل باید بر همبستگی اخلاقی و فکری نوع بشر بنا شود. آن روز آنان گفتند: «تنها ترتیبات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها کفایت نمی‌کند، باید در عرصه جهانی سازوکار دیگری جست.»

در اینجا مایلم اثر جاودانه و انسانی شاعر بلندآوازه ایرانی سعدی بزرگ را برای شما بازگو کنم:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

و مسلماً این سروده عمیق آرکیبالد مک‌لیش (Archibald Macleish) شاعر معاصر آمریکایی را به عنوان یکی از نویسندگان پیش‌نویس اساسنامه یونسکو شنیده‌اید:

«از آنجایی که جنگ ابتدا در ذهن انسان‌ها رخ می‌دهد، پس صلح نیز از میانه ذهن‌ها سر برمی‌آورد.»

به این ترتیب بیش از ۶۰ سال است که جهان رنجور از جنگ‌هایی عالم‌گیر، مداوماً به یک اندیشه و یک تعهد فراخوانده شده است: ضرورت آفرینش صلح، آموختن زیبایی صلح، ساختن فرهنگ صلح و کشف فرآیندهای تحقق صلح.

اگر زیستن در صلح حق زندگی انسان است - که هست- باید موانع بسیاری از پیرامون حیات روزمره او دور شوند؛ فقر و نابرابری، خشونت و ناامنی، خودمداری و نابردباری، خودکامگی و توسعه‌نیافتگی و فهرستی طولانی از آنچه جوامع انسانی در دور و نزدیک عالم به آن گرفتارند، از این جمله‌اند.

واقعیت این است که چنین صلحی غایب بزرگ در متن ذهن و زندگی نوع بشر امروز است و آرمان صلح پایدار هنوز رویای هر صبح و شام یکایک شهروندان جامعه جهانی است. انسان عصر ما دورانی دشوار را در جنگ گذرانیده و دورانی دشوارتر را در هراس از شکنندگی صلح آغاز کرده است.

در همسایگی شما هیروشیما و ناکازاکی شاهد همیشه جنایت‌هایی از یادنرفتنی‌اند و در همسایگی من لبنان و فلسطین گواه خلق فاجعه‌های جدید انسانی در این دورانند. آیا این درد دیرین و مزمن انسانی - درد جنگ و جنایت و ترس از وقوع آن - را درمانی ممکن نیست؟

هرکس به فراخور جهانی که در آن زیسته و تجربه‌ای که از آن داشته است، برای برون‌شد از موقعیت هراس‌انگیز کنونی راهی جسته است. راهی که من در پی آن بوده و هستم جست‌وجو و تلاش برای زیستن در چارچوب مفهومی جدید است:

فهم پارادایم «گفت‌وگو» به جای برخورد و حرکت در چشم‌انداز «گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها» به جای برخورد میان آنها و کوشش برای حل مسائل امروز جهانی از زاویه گفت‌وگوهای درون تمدنی و میان تمدنی. من گفته‌ام و می‌گویم که جهان برای آنکه خانه امن و آباد و آزاد همگان شود، نیاز به صلحی عادلانه و پایدار دارد و برای آنکه این صلح جانمایه زندگی او شود، به گفت‌وگو نیازمند است. گفت‌وگو زیستن در هوایی تازه است، هوایی که توانمند شدن نوع انسان را برای مشارکت فعال در کاهش دردهای جهان واقعی در پی دارد. گفت‌وگو فرآیندی برای تحقق فرهنگ صلح است. فرهنگی که برای زندگی، برای توسعه، برای مردم‌سالاری و برای امنیت پایدار جهانی گریزناپذیر است. ما ناگزیر از گفت‌وگوی فرهنگ‌ها به عنوان منبع و محرکه‌ای جدید برای زیستن در دنیای متجدد هستیم. گریز از گفت‌وگو، قرار گرفتن در دایره فرسایش و ناتوانی است و سرآغاز فرسایش و ناتوانی، نگاه به پیرامون از زاویه حذف است. حذف و به حاشیه راندن یا به حاشیه نشستن چه در حوزه منابع مادی باشد و چه در حوزه منابع معنوی، نتیجه‌ای جز فرسایش و فقر ندارد. هر دولت و جامعه‌ای که دست به حذف و به حاشیه راندن بخشی از سرمایه‌های معنوی و مادی خویش می‌زند، فقیر و ناتوان می‌شود. در برابر، هر دولت و جامعه‌ای که بر توان جذب و جلب سرمایه‌های معنوی و مادی خویش می‌افزاید، به ثروت و توان تازه می‌رسد. آن حذف و این جذب به هر صورتی که باشد، قابل فهم و طرح در غیبت یا حضور فرهنگ و فرآیندهای گفت‌وگو است. گفت‌وگو سازوکاری نو برای کشف و هم‌افزایی توانایی‌های بشری در جهت چیرگی بر محدودیت‌ها است. گفت‌وگو توانمندسازی فرد و جامعه جدید است. فرصتی نو است برای تحرکی نو.

اندیشمندان عزیز!

ما امروز در دانشگاه سازمان ملل متحد گرد آمده‌ایم؛ حلقه‌ای برای اندیشیدن درباره هر آنچه زیستن در صلح را به مخاطره می‌اندازد و آموختن و آموزش راه‌هایی که جهان را به صلحی عادلانه و پایدار نزدیک‌تر می‌کند. گمان می‌کنم که همه ما بر سر یک نکته توافق داشته باشیم که امروز خزانه صلح هم در وجه معنوی و هم در وجه مادی آن خالی‌تر از خزانه جنگ در جهان است، برای این مسئله باید با هر توانی که داریم چاره‌ای بیندیشیم. تا زمانی که سرمایه‌گذاری دولت‌ها و ملت‌های جهان برای صلح کسر کوچکی از سرمایه‌گذاری آنان برای جنگ باشد، بذرهای امنیت و امید و پیشرفت در ذهن شهروندان جهان نخواهد رست.

من اگر از «گفت‌وگو» سخن می‌گویم، نقطه کانونی آن توجه و تمرکز همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است بر همین مسئله و گشودن راه‌هایی تازه در برابر آن. پیش از این هم گفته‌ام که: اکنون مفهوم امنیت و صلح با گذار از الگوی پیشین تفاوت معنایی یافته است، اینک صلح مقوله‌ای تجزیه‌ناپذیر، پایدار و جامع و در حکم معرفتی مستقل تلقی می‌شود. مفهوم صلح از محدوده امنیت و بازدارندگی فراتر رفته و تعاملی خلاق را دربرمی‌گیرد که از سطح رابطه میان دولت‌ها به سطح رابطه میان نهادهای مدنی ارتقا یافته است. در حقیقت صلح در دوران کنونی گوهر تفکری است که حاملان اصلی آن انسان‌های کنشگر و شهروندان مسئول هستند.

امروز می‌توان به روشنی آثار ظهور جامعه‌ای مدنی را در سطح بین‌الملل ملاحظه کرد که در آن نقش افکار عمومی در سطح جهانی تعیین‌کننده شده است. اکنون وجه نظامی قدرت به تنهایی نه پیش‌برنده است و نه حتی بازدارنده. متاسفانه در فرآیند جهانی شدن، خشونت و جنایت نیز سامان جهانی یافته و دامنه گسترده تهدیدهای امنیت جهانی حتی کانون‌های امن و قدرتمند دوران جنگ سرد را نیز دربرگرفته است. تکیه بر راهبردهای جنگ‌مدار در این وضع، سوق دادن جهان انسانی به سوی خشونت و آشفتگی و افراط و از میان بردن فرصت‌های پرداختن به رنج‌های دیرین بشریت است. امید بستن به اعمال قدرت از طریق دستکاری در افکار عمومی نیز در عصر ارتباطات به آسانی میسر نیست. جهان کنونی مبتنی بر جهان‌های بسیار و منابع متعدد است، ساماندهی دائمی جهان و عبور از گذرگاه‌های پرمخاطره، مستلزم فهمی تازه از مناسبات جهانی است، فهمی که در آن شنیدن افکار عمومی و تکیه بر ظرفیت‌های فرهنگی و مدنی موضوعیت دارد.

امروز با تأمل بیشتر در این باب، به ویژه از زاویه یک کنشگر در درون جامعه مدنی و از میان نهاد غیردولتی موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بر این امکان و ضرورت اهتمام به آن تاکید دارم. امروز می‌گویم می‌توان و باید از ظرفیت راهبرد گفت‌وگو در جهت پیشبرد صلح با تکیه بر مسائل مبتلا به و خاص جهانی بهره برد. می‌گویم باید و می‌توان گفت‌وگوی تمدن‌ها را نه به عنوان مفهومی انتزاعی و مجرد، بلکه به عنوان مقوله‌ای انضمامی و مشخص در زمینه مسائل مختلف بشری به کار بست.

اگر جهان در منظومه‌ای از مسائل در هم‌تنیده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرفتار است، خرد و اراده جمعی که در گفت‌وگو شکل می‌گیرد برای پرداختن به یکایک مسئله‌های ریز و درشت جامعه بشری کارساز است. نمی‌توان دستورالعمل صلح را نوشت، مگر آنکه گفته‌ها و خواسته‌های بزرگ حفظ صلح را با اقدام‌های کوچک و روشن برای بنای صلح همراه کرد. تردیدی نیست که کلید دستورالعمل صلح، آئین‌نامه‌هایی عملی است برای حفظ و توسعه مردم‌سالاری، عدالت، حقوق‌بشر، حق توسعه و برخورداری برای همه و نیز بازگشت انسان به اصالت معنوی خود و اهتمام به اخلاق که بخصوص در عرصه روابط بین‌المللی غایبی بزرگ است.

برای ورود به این راه ناگزیر از رویکردی جدید هستیم: باید به جای حرکت از منطق قدرت به سوی قدرت منطق رو کنیم. میلیون‌ها انسان در فقر مطلق به سرمی‌برند، جهان در استفاده برابر از همه مواهب مادی و معنوی، محیط زیست و جهان زیست اخلاقی و تحقق توسعه پایدار با موانع بسیار روبه‌رو است. پس برای مسائلی واقعی از این دست باید به جای سخنان انتزاعی از برنامه‌های واقع‌گرایانه سخن بگوییم. در چنین وضعیتی چگونه می‌توان از «پایان تاریخ» سخن گفت تا وقتی که تنعم و برخورداری‌های معنوی و مادی، تنها برای قطب‌های ثروت و قدرت و منزلت در جهان میسر است و در عرصه زندگی روزمره جهانیان حاکمیت منطق و معیارهای دوگانه، جایی برای عدالت و آزادی باقی نمی‌گذارد؟ اکنون باید به تعریف جدید و درستی از مسائل بشری دست یابیم و پس از آن به راه‌حل‌های نو و قابل اجرا برای کاهش و رفع آنها بیندیشیم.

باید میان تجربه‌های مختلف جوامع و رهیافت‌های نوین علمی پیوندهای تازه‌ای برقرار کنیم. پذیرفتن این باید‌ها و بایدهایی از این دست یعنی ورود به عرصه گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و عرضه برنامه‌های عمل آن. فهم تازه از مسائل جهانی و راه‌حل‌های تازه برای آنها تنها در زمینه‌های مساعد گفت‌وگو میسر است و تنها در مسیر گفت‌وگو پیش می‌رود.

ساختارها و نهادهای مدنی و بین‌المللی محل و محمل تحقق و پیشبرد این گفت‌وگو هایند، بکوشیم که از این به درستی بهره گیریم. امروز اگر همه جوامع جهانی بخواهند از دانش نوین، اقتصاد نوین، ارتباطات نوین و فناوری‌های نوین به صورت عادلانه‌ای برخوردار شوند و به توسعه پایدار، حقوق اساسی و امنیت همه جانبه دست یابند، باید فرصت‌ها و ظرفیت‌های گفت‌وگو را در این پارادایم جدید به درستی بشناسند و به کار گیرند. در پارادایم گفت‌وگو نهادهای بین‌المللی، نهادهای بین‌الدولی و نهادهای ملی و نهادهای مدنی نیازمند رویکردهای گفت‌وگویی و ساختارهای گفت‌وگویی‌اند.

واقعیت آن است که به‌رغم نیازها، ضرورت‌ها و امکان‌های فراوان برای گفت‌وگو موانع ساختاری و نهادی زیادی در مسیر تحقق و پیشبرد آن وجود دارد. گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها مقوله‌ای بین‌المللی است که نمی‌تواند در محدوده‌های بین‌الدولی محصور بماند. حتی نهادهای معتبر و موثری مثل سازمان ملل متحد در پارادایم گفت‌وگو نیازمند تحول در ساختار وظایف خویش‌اند تا بتوانند از تمامی توانایی‌های نهادهای مدنی، نهادهای علمی و فرهنگی و آحاد دانشمندان و متفکران و هنرمندان در سراسر جهان بهره گیرند. توان بین‌المللی کنونی در گفت‌وگو فراتر از ساختار بین‌الدولی کنونی این گونه نهادهاست. شاید تاسیس و تقویت نهادهای اقماری علمی، آموزشی و فرهنگی نظیر دانشگاه سازمان ملل متحد بتواند بخشی از این کاستی‌ها را جبران کند. اندیشه تاسیس موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در قالب یک نهاد غیردولتی و بین‌المللی- که من ماه‌ها در پی آنم- نیز، گامی در همین سو است.

شناخت و کاربرد سازوکارها و فرآیندهای گفت‌وگو در جهت فهم و حل مسائل واقعی جهان، ضرورت پیش‌روی همه ما است. پس اجازه می‌خواهم با مواردی مشخص از این باب سخنم را پایان دهم:

۱- گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها کاربرد همه داشته‌ها بر سر موضوعی مشترک است، نه تحمیل پنداشت‌ها بر یکدیگر. باید بدانیم و بیاموزیم که می‌توانیم با یکدیگر و نه در برابر یکدیگر برای رفع مسائل عموم بشری بیندیشیم و کار کنیم.

۲- مسائل عموم بشری همه حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ از توسعه پایدار و محیط زیست تا حقوق بشر و مردم‌سالاری و از زدودن صورت‌های خشن فقر، تا مقابله با گونه‌های حاد خشونت. بپذیریم که در فهم این مسائل و نحوه پرداختن به آنها تجربه‌ها و اندیشه‌های مختلف و متفاوت وجود دارد. باید ساز و کارها و نهادهایی برای گفت‌وگو بر سر این مسائل مشخص بجوییم و بسازیم.

۳- نیاز امروز گفت‌وگو در وهله اول تعیین و تبیین مسائل مشخص برای گفت‌وگو است. از آب و انرژی و بیابان‌زدایی تا دموکراسی و توسعه پایدار حقوق بشر. و در وهله بعد، گفت‌وگو درباره آنها از زاویه‌های مختلف فرهنگی و علمی و سیاسی و اقتصادی. امروز هر موضوع خاص و تخصصی را هم باید به عنوان یک مقوله میان رشته‌ای مورد توجه قرار داد. گفت‌وگوی امروز تنها پدیده‌ای میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون نیست، ضرورتی در پیش روی حاملان و کنش‌گران پیر فرهنگی نیز هست. امروز دانشمندان، روشنفکران و سیاستمدارانی که جهان‌زیست‌های گوناگون دارند و به جهان از مناظر مختلف می‌نگرند، باید بتوانند با یکدیگر بر سر مسائل مختلف بشری گفت‌وگو کنند، کاری که دانشگاه سازمان ملل متحد در پی آن است می‌تواند به عنوان نمونه‌ای خاص و موفق دنبال شود. موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها هم در پی انجام و پیشبرد چنین اقدام‌هایی است.

۴- گفت‌وگوی تمدن‌ها دلالت دارد بر بهبود همه عرصه‌های زندگی، از این رو نسبت نزدیکی با توسعه پایدار و همه‌جانبه، با صلح و امنیت جهانی و با مردم‌سالاری و آزادی در همه جا و برای همه کس پیدا می‌کند. سیاست‌ها و برنامه‌های گفت‌وگو می‌تواند و باید همه این عرصه‌ها را هم در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی و هم در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی در برگیرد.

پرسش‌های اساسی ما برای گفت‌وگو در این باره کدامند؟

- بنیان‌های ناسازگاری انسان با انسان، انسان با طبیعت و انسان با ماورای طبیعت در چیست؟
- ریشه‌های نابرابری‌های اجتماعی کدامند؟
- دلایل شکنندگی صلح و استعداد ناامنی در جهان کنونی چیست؟
- چرا پیمودن راه تحقق مردم‌سالاری در جهان همچنان کند و دشوار است؟
- چرا شکاف‌های عمیق و جدید حتی در عصر ارتباطات و دوران کاهش فاصله‌ها شکل می‌گیرد؟
- چرا بشر امروز در موقعیت‌های هراسناکی از فقر نوین، ناامنی نوین و خشونت‌های نوین قرار گرفته است؟

در برابر این چراها و چراهایی دیگر آیا نمی‌توان و نباید به وظایف نوین دولت‌ها، نهادهای مدنی و نهادهای بین‌المللی اندیشید؟

توجه به خطر اخلاقی (Moral Hazard) در رفتار دولت‌ها، به نقش مذهب در جوامع مختلف، به ضرورت پاسخگو بودن قدرت‌ها، به توازن میان رقابت و همکاری، به نسبت میان توسعه‌نیافتگی و تروریسم، به گفت‌وگوی میان سنت و مدرنیته، به تعامل میان جهانی شدن و بومی‌گرایی و مباحث کلان و عامی از این دست می‌تواند مبنای طرح‌های خرد بر سر مسائل روز باشد و از آن میان ضرورت اصلاح کارکردهای دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی را پی بگیرد. گفته‌اند و درست هم گفته‌اند که باید بزرگ فکر کرد اما با کارهای کوچک، و زمان را از دست نداد.

وظیفه خود می‌دانم که از تلاش‌های دور و نزدیکی که در همه جا با این نگاه به انجام می‌رسد صمیمانه تشکر کنم. اینکه شما هر موضوعی را میان اندیشمندان، متخصصان و سیاستمداران به مسئله مشترک تبدیل می‌کنید و میان دانش، آموزش، پژوهش، فرهنگ و سیاست در عین استقلال حوزه‌ها رابطه‌ای معنادار می‌جویید اندیشه‌ای بزرگ است که در مقیاس‌های کوچک به خوبی تحقق می‌یابد. در همین جا باید از همت ارجمند محققان و اندیشمندانی که امر «بیابان‌زدایی» را در متن گفت‌وگویی جهانی قرار داده‌اند و حتی به پاسداشت این نشست به میان ما آمده‌اند، صمیمانه تشکر کنم.

۵- از یاد نبریم که اگر مخاطرات و تهدیدهای فراروی جهان ما زیاد است، امیدها و فرصت‌های تغییر آنها نیز فراوان است و با گفت‌وگو و در گفت‌وگو می‌توان به امید در ساختن جهانی نو جامه عمل پوشید و به منابع و ذخایر معنوی و مادی جدیدی دست یافت. اگر چهره آشکار جهان ما، ناامنی و فقر و جنگ است، چهره بنیادین آن میل و تلاش در راه صلح و توسعه و امنیت پایدار است. می‌توانیم جهان را بسازیم و ببینیم ان‌شاءالله.

مذهب زنده‌دلان خواب پریشانی نیست
از همین خاک جهان دگری ساختن است.

نگاه سیاستمدار

در برابر تروریسم

جان رید و نیکولا سارکوزی*

ترجمه: نیره محمودی

هفته گذشته پلیس انگلیس و سرویس‌های امنیتی، آنچه را که به‌نظر می‌رسد تلاشی برای یک قتل‌عام از سوی تروریست‌ها بوده است، خنثی کردند. هزاران اروپایی در انگلیس و سراسر این قاره که برای تعطیلات آماده سفر بودند، از اختلال در برنامه‌های سفرشان ناامید شدند. میلیون‌ها نفر دیگر در پی اعلام جزئیات این طرح حمله شگفتی و نگرانی خود را ابراز داشتند. اگرچه از مرگ بسیاری جلوگیری شده بود، اما این رویدادها یادآور صریح این واقعیت است که تهدید تروریسم شئون زندگی همگی ما را تحت تاثیر قرار داده است و اینکه همه ما در مبارزه علیه آن شرکت داریم. به همین دلیل ما با رئیس فنلاندی اتحادیه اروپا و سایر شرکایمان دیدار کردیم تا در مورد تداوم پیشرفت‌هایمان در برابر تروریسم از زمان وقوع حملات مادرید در سال ۲۰۰۴ و لندن در سال گذشته گفت‌وگو کنیم. پیش از حملات تروریستی نافرجام لندن در ۲۱ جولای سال گذشته (دو هفته پس از بمب‌گذاری مرگبار ۷ جولای)، به یمن حکم دستگیری اروپایی، یکی از مظنونین این حملات سریعاً از ایتالیا به انگلستان عودت شد تا در دادگاه مورد محاکمه قرار گیرد. روند صدور حکم بازداشت مظنونین بهتر خواهد شد و سرعت بیشتری خواهد یافت تا اروپاییان بتوانند در دستگیری مظنونین، یکی پس از دیگری، مشارکت داشته باشند. این همکاری نشان می‌دهد در صورتی که به همسایگان اروپایی‌مان در جلوگیری از حوادث تروریستی کمک کنیم، می‌توانیم به نتایج خوبی دست یابیم. همه ما می‌دانیم که تهدید تروریسم بین‌الملل به قوت خود باقی است و تروریست‌ها ممکن است دفعه بعد یک کشور دیگر را مورد هدف قرار دهند. ما باید باهم واکنشی فراگیر و جامع به چالش‌هایی که تهدیدمان می‌کند، نشان دهیم: ما به عنوان جوامع باز و دموکراتیک چگونه می‌توانیم بدون دست کشیدن از ارزش‌هایمان با تروریسم مبارزه کنیم؟ ما چگونه می‌توانیم میان حقوق فردی که همگی از آن بهره‌مند هستیم و حقوق جمعی در جهت تامین امنیت و ایمنی که به عنوان یک جامعه به آن نیاز داریم، تعادل برقرار کنیم؟ سال گذشته اتحادیه اروپا یک استراتژی مبارزه با تروریسم را تصویب کرد. این استراتژی تلاش‌های ما را بر چهار حوزه متمرکز کرد: پیشگیری، حفاظت، پیگرد قانونی و واکنش. ما در وهله اول باید به تلاش‌هایمان در جهت پیشگیری از گرایش شهروندان اروپایی به تروریسم سرعت بخشیم. این مهم می‌تواند با ارائه تجاربمان در زمینه تندروی و استخدام نیرو توسط تروریست‌ها در حوزه‌هایی نظیر مدارس و مکان‌های عبادت و یا از طریق رسانه‌ها و اینترنت، صورت پذیرد. هم‌اکنون اقداماتی در جهت پیشگیری از ریشه گرفتن رفتار خشونت‌طلبانه در میان جوانان از طریق توسعه و درک تنوع فرهنگی اروپا و ارزش‌های بنیادین مشترک آن در حال انجام است. ما باید در این مورد طرح‌هایی ارائه دهیم. در نهایت نیز ضروری است یک جامعه اروپایی که مطالبات تمام گروه‌ها و افراد را مورد توجه قرار خواهد داد، ایجاد و پایه‌ریزی کنیم. ما همچنین باید پس از وقوع هر نوع حمله یا هرگونه تلاشی در جهت انجام آن با یکدیگر همکاری داشته باشیم و مسئولان این نوع حملات را مورد پیگرد قرار دهیم و مطمئن شویم که نظام‌های حقوقی‌مان قوی و کارآمد هستند به‌گونه‌ای که تروریست‌ها در یافتن مکانی امن در سراسر قاره‌مان ناکام بمانند. ما باید با افزایش قابلیت‌هایمان در مدیریت بحران و تسهیل همکاری‌های عملی میان آژانس‌های اجرایی، به ارتقای توانایی خود در جهت واکنشی هماهنگ با یکدیگر، تداوم بخشیم. ما باید با واکنش در برابر تکنیک‌های جدید تروریستی از طریق اقدامات امنیتی مناسب، از خودمان حفاظت کنیم. کمیسیون اروپایی پیشتر بر ضرورت استانداردهای جدید امنیتی که باید در فرودگاه‌های اروپایی به اجرا در آیند، تاکید کرده است. اکنون باید اقداماتی را در جهت تمرکز بازرسی‌ها برای یافتن مواد منفجره مایع به اجرا درآوریم. ما همه این اقدامات را در حالی باید به انجام برسانیم که همچنان به ارزش‌های مشترک خود در مورد احترام به حقوق اولیه انسان‌ها و آزادی پایبند بمانیم. چرا؟ زیرا اینها ابزارهایی هستند که ما را در مبارزه علیه تروریسم قدرتمند می‌سازند. ما با دفاع از شهروندانمان در مقابل تروریسم بدون آسیب‌رساندن به آزادی‌ای که جوامع‌مان بر مبنای آن ساخته شده است، با تلاش در جهت ناکام گذاشتن تروریست‌ها بدون آن که مسلمانان احساس کنند می‌خواهیم اسلام را مورد تهاجم قرار دهیم، با توجه کردن به مطالبات مشروع مسلمانان جهان بدون اینکه تلاش تروریست‌ها را اعتبار بخشیم، فضایی را ایجاد خواهیم کرد که مدارا و آزادی حکمفرما شود و موقعیتی فراهم شود که تروریسم امکان رشد پیدا نکند. ما همگی با گستردگی این چالش‌ها آشنا هستیم، اما همه به این اعتقاد داریم که بهترین راه برای شکست تروریسم بین‌الملل همکاری‌های بین‌المللی و مراقبت از شهروندانمان است؛ توانایی‌ای که می‌توانیم از طریق همکاری با یکدیگر به دست آوریم. ما به عنوان افرادی جدا از یکدیگر، به عنوان جوامع، به عنوان ملت‌ها و یک اتحادیه، مورد تهدید قرار گرفته‌ایم. بنابراین باید برای مقابله با این چالش در تمام سطوح با هم باشیم.

*وزیران کشور انگلیس و فرانسه

منبع: اینترنشنال هرالد تریبیون

آگهی فراخوان نخست

اداره کل راه و ترابری استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد پروژه‌های مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. پیمانکاران داوطلب می‌توانند جهت دریافت اسناد ارزیابی توان اجرای کار به اداره پیمان و رسیدگی اداره کل مراجعه نمایند:

الف) شرح:
۱- پروژه بهسازی و آسفالت سرد و ساخت آبنما راه‌های روستایی خواجه مسک به طول ۸ کیلومتر و قطار خنجک به شندک به طول ۴ کیلومتر واقع در شهرستان زاهدان مجموعاً با برآورد اولیه ۴/۵۵۰/۹۳۹/۲۱۸ ریال
۲- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه‌های روستایی پیرسبز - حمزه آباد به طول ۲ کیلومتر و بی‌بی دوست و ارباب به حسین آباد جر به طول ۴ کیلومتر واقع در شهرستان زابل مجموعاً با برآورد اولیه ۲/۹۶۵/۹۳۷/۱۲۳ ریال
۳- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه روستایی بازارچه مرزی به گمشاد به طول ۴ کیلومتر واقع در شهرستان زابل با برآورد اولیه ۱/۹۱۰/۶۹۷/۹۳۹ ریال
۴- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه روستایی حدفاصل محور دوست محمد زابل به علی‌محمد و کنگ امام داد به طول ۴ کیلومتر با برآورد اولیه ۱/۹۲۷/۶۴۸/۱۹۲ ریال
۵- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه‌های روستایی جاده زهک به ملک حیدری، سه قلعه، مستی خون به طول ۳ کیلومتر و ده نوری - عباس آباد پیری به جاده علی جعفر به طول ۳ کیلومتر واقع در شهرستان زابل مجموعاً با برآورد اولیه ۲/۸۲۴/۶۴۳/۶۲۰ ریال
۶- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه روستایی دشت آبخوان به طول ۸ کیلومتر واقع در شهرستان خاش با برآورد اولیه ۲/۵۷۸/۳۲۷/۰۰۲ ریال
۷- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه‌های روستایی چاه احمد - دشت سمسور به طول ۶ کیلومتر و چاه احمد - گوهر کوه به طول ۵ کیلومتر واقع در شهرستان خاش مجموعاً با براورد اولیه ۳/۴۳۷/۹۳۷/۷۳۹ ریال
۸- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه روستایی رکن آباد - پشتکوه به طول ۸ کیلومتر واقع در شهرستان خاش با برآورد اولیه ۲/۵۷۸/۳۲۷/۰۰۲ ریال
۹- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه روستایی کاواری به طول ۶ کیلومتر واقع در شهرستان خاش با برآورد اولیه ۱/۸۶۶/۳۷۷/۳۴۴ ریال
۱۰- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه روستایی جالق - مک سوخته به طول ۷ کیلومتر واقع در شهرستان سراوان با برآورد اولیه ۲/۱۳۵/۲۳۴/۶۷۷ ریال
۱۱- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه روستایی ده کمال - گورایک به طول ۸ کیلومتر واقع در شهرستان سراوان با برآورد اولیه ۲/۴۰۸/۵۵۷/۹۷۸ ریال
۱۲- پروژه بهسازی و آسفالت سرد راه‌های روستایی ناصرآباد - شندان به طول ۵ کیلومتر و آسپیج - هیتوک - دشتک به طول ۶ کیلومتر واقع در شهرستان سراوان با برآورد اولیه ۳/۳۸۷/۱۴۹/۸۴۳ ریال

ب) فهرست بها:
راه و باند سال ۱۳۸۵ بدون تعدیل آحاد بها.
ج) رشته و گروه پیمانکاران:
حمل و نقل منوط به ارایه گواهینامه صلاحیت پیمانکاران
هـ) تاریخ و محل دریافت اسناد ارزیابی توان اجرای کار:
تا ۱۴ روز بعد از نشر آگهی و محل دریافت اسناد پیمان و رسیدگی اداره کل
ر) تاریخ تشکیل هیات ارزیابی:
۱۵ روز بعد از نشر آگهی
امکانات: کارفرما قیر مورد نیاز پروژه را در محل به پیمانکاران تحویل و بهای آن از صورت وضعیت آنان کسر خواهد شد.
هزینه چاپ آگهی به عهده برندگان مناقصه خواهد بود.

اداره کل راه و ترابری استان سیستان و بلوچستان

آگهی شناسایی پیمانکار «مناقصه ۶۱۰۰۰۹۶»

موضوع: مناقصه شماره «۶۱۰۰۰۹۶» مربوط به عملیات اجرای خط انتقال و توزیع ۳۳ کیلو ولت و پست های ۳۳ کیلو ولت کامپکت شرکت

فولاد اکسین خوزستان - شرکت فولاد اکسین خوزستان در نظر دارد، موضوع مناقصه فوق الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید.

الف) شرح مختصر کار: عبارتست از: خرید و احداث
۱- خط انتقال بطول تقریبی ۱۲۰۰ متر ۳۳ کیلو ولت
۲- خط توزیع به طول تقریبی ۱۸۰۰ متر ۳۳ کیلو ولت
۳- خرید و نصب ۵ دستگاه کامپکت ۳۳ کیلو ولت

ب) مدت اجرای پروژه: مدت اجرای پروژه پنج ماه می‌باشد.

ج) برآورد تقریبی پروژه بر اساس فهرست بهای واحد پایه رشته تاسیسات برقی سال ۸۵ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و با احتساب کلیه ضرایب متعلقه ۷/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.

د) محل اجرای پروژه:
محل اجرای پروژه در استان خوزستان، شهرستان اهواز، کیلو متر ۱۰ جاده اهواز - بندر امام، واقع در ضلع شمال شرقی شرکت فولاد خوزستان می‌باشد.

هـ) شرایط متقاضی:
۱- داشتن شخصیت حقوقی
۲- داشتن امکانات، ماشین آلات، نیرو